

متن سخنرانی پدر طالقانی در دانشگاه راجع به فلسطین

بسم الله الرحمن الرحيم

المهم انى اعوذ بك من كل شيطان رجيم و من كل متكبر لايومن بيوم الحساب

بسم الله الرحمن الرحيم

سبحان الذى اسرى بعبده ليلا من المسجد الحرام الى المسجد الاقصى الذى باركنا حوله لنريه من آياتنا انه هو السميع البصير.^۱

من پیش از اینکه در کسوت يك سياستمدار متعارف و معمول باشم، يك شاگرد كوچك مكتب قرآن و معلم قرآنم و در اينگونه اجتماعات سمى دارم همان روش و برنامه‌اى را كه همیشه دارم فراموش نكنم، چون مهمترين قدرتى كه ملت مسلمان ايران و همه مسلمانهاى دنيا را مى-تواند عليه ظلم و استبداد و استكبار و استعمار برانگيزد، در حيطه وحى قرآن است. ممكن است كسانى باشند كه نسبت به طرح مسائل و آيات قرآن بى تفاوت باشند، يا بعضيها هم بربند، «ان هذا القرآن يهدى للتى هي اقوم ولا يزيده الظالمين الا خسارا»^۲.

باران كه در لطافت طبعش خلاف نيست

در باغ لاله رويد و در شوره زار خس آيه‌اى كه قرائت شد اولين آيه سوره بنى اسرائيل است. اين مسأله مهم و تاريخى (يعنى مسأله فلسطين) كه باعث شده ما امروز، همراه طبقه جوان و نيرومند و انقلابى مان، در اين اجتماع و در اين زمان و در اين سر فصل تاريخى، دوره‌م گرد آمده‌ايم، در پيچ و خمهاى تاريخى گذشته، قرن‌ها، سالها، در بستر تاريخ پيش رفته تا امروز به اين صورت نمودار شده و از اين جهت ما دريکى از نقاط درگيريه‌اى تاريخى اين سرزمين واقع شده‌ايم.

در سوره اسرى (بنى اسرائيل)، به همان مسأله توجه کرده که سير رمزى و معراجى خاتم انبياء محمد مصطفى (ص) را، همين گذشته تاريخ و تنبيه و درس تاريخ و گذشته بيت المقدس، مسجد اقصى و سرزمين فلسطينى بيان کرده: «سبحان الذى اسرى بعبده ليلا من المسجد

۱-۱ اسراء

۲-۹ اسراء

الحرام الى المسجد الاقصى»، منزه است آن خدائی که «سیر» داد، پیغمبرش را، از يك مركز توحيد و سجده و ركوع در برابر خدا (يك مركز آزادی بشر از بند عبودیت غیر خدا)، به مسجد دیگر (مسجد اقصی)، «لثریه من آیاتنا»، تا این پیامبر از آیاتی که در این مسجد اقصی است درس بیاموزد و آن آیات را از نزدیک به او ارائه دهد. وحی انبیاء، هم وحی آسمان است و هم وحی زمین. ترکیب آن دو وحی، دعوت و رسالت انبیاء را پیش میبرد. یعنی راهنمائی‌هایی که از طریق وحی خدائی به آنها میرسد از یکطرف و تجربیات تاریخی که به آنها داده میشود (مانند آیاتی که در پیرامون مسجد اقصی است)، از طرف دیگر، «انه هو السميع البصير»: چون خدا میخواهد چشم و گوش پیامبرش را به همه مسائل باز و شنوا کند، تا امتی چشم و گوش باز و هوشیار تشکیل دهد. اطراف مسجد اقصی آیات وحی و نبوت است. درسهای اولین قیام توحیدی ابراهیم خلیل و همه انبیاء بزرگ و درگیری بین توحید و شرك، استضعاف و استکبار است، جنگها و موضعگیریهائی که در اطراف مسجد اقصی در قرون متوالی پیش آمده، در سرزمین خاورمیانه، بین شرق و غرب، در بستر حرکت توحید، در مهد پرورش انبیاء بزرگ توحیدی و انقلابی، که همه این حرکتها، همه این انقلابات بزرگ، از این سرزمین منشأ و الهام گرفته، درسهایی است از وحی و نبوتها، چگونگی درگیری انبیاء بزرگ تا وحی نبوت آسمانی در سرزمین قدس و در درونگاه و در همه اطراف آن، برای انسان شنوا و هوشیار که خدا باید به پیغمبرش بیاموزد. این سر حرکت معراجی پیغمبر ماست که زمانش هم شاید در همین روزها (ایام رجب) باشد. دو مرکز حرکت انقلابی، دو مرکز رهایی‌بخش انسانها از شرکها و طاغوتها. بعد از چند آیه، (از آیه ۴) قرآن به ما درس تاریخ و فلسفه تاریخ میدهد: «و قضینا الی بنی اسرائیل لتفسدن فی الارض مرتین ولتعلن علوا کبیراً فاذا جاء وعد اولیئهما بعثنا علیکم عبادا لنا اولی باس شدید فجاسوا خلال الدیار و کان وعدا مفعولا»: ۳

«ما در سرنوشت تاریخ، برای بنی اسرائیل این مطلب را تثبیت کردیم که بارها (مرتین) - مره بعد مره، مرتین به نظر من مثل لبیک یعنی مره بعد مره)، یعنی در مسیر تاریخ، شما (بنی اسرائیل) در زمین

افساد می‌کنید (لتفسدن فی الارض مرتین)، سرکشی می‌کنید، بمردم دیگر تجاوز و عدوان می‌کنید، همسایگان خود را سرکوب می‌کنید. در این خلال، این بارها، در مسیر تاریخ، بنی اسرائیل است، بعد از آنکه با هم جمع شدند و سرود و ورد برتری نژادی و قومی و برتری شخصیت خود را بگوش یکدیگر خواندند، و خود را صاحب زمین و مالک زمین و خدا را، خدای بنی اسرائیل خواندند، شروع می‌کنند به افساد در زمین و ذلیل کردن مردم دیگر و منکوب کردن آنها.

پس از هر مرتبه که علو و فساد آنها بالا گرفت و لتعلن علوا کبیراً ما در میان بندگان خود کسانی را برمی‌انگیزیم که صاحب قدرت شکست‌ناپذیر باشند، (بعثنا علیکم عبادا لنا اولی بسا شدید)، صاحب قدرت شدید، اینها برمیگردند و بنی اسرائیل را منکوب می‌کنند و وارث دیاری می‌شوند که آنها به غضب و به تجاوز، آن دیار را تحت تصرف خود آورده‌اند. این قدرتمندان صاحب باس شدید، در گوشه و کنار شهرها و خانه‌ها رخنه کنند، نفوذ نمایند «فجاسوا خلال الدیار» این وعده‌ایست خدائی، وعده‌ایست شدنی (وکان وعدا مفعولا):

مردم فلسطین و مسلمانهای دنیا و کسانی که چشم به این قبله اول اسلام و این مهد توحید و الهام بخش راه و روش و منش و منطق انبیاء دارند، باید با همین وعده‌های قرآن امیدوار باشند، وعده‌هایی که شدنی است.

در مسیر تاریخ بارها این وعده عمل شده. از این جهت، پیش از اینکه ما به مردم فلسطین بیندیشیم باید به مسجد الاقصی بیندیشیم که مورد تقدس و اعتقاد همه مسلمین است، و به مردم فلسطین بیندیشیم، چون ملتی حق برده، حقدگشته، تجاوز شده و آواره هستند و پاسداران مسجد الاقصی بودند. در سال ۲۸ اولین سفری که موتمر (کنفرانس) فلسطینی رفت، از نزدیک به آوارگان فلسطینی می‌اندیشیدیم. از کشور-های اسلامی و عربی به کنفرانس آمده بودند، ولی بعضی فقط حماسه می‌خواندند و تظاهر به طرفداری از این مظلومین و مسجد غضب شده داشتند از نزدیک، افسردگی، ظلم، حق‌خوردگی مردم فلسطین را می-دیدیم، که چگونه اینها مورد رعایت و مورد اتفاق سازمان ملل و همان دنیائی و همان کشورهایی واقع شده‌اند که اینها را آواره کردند. اول از سرزمینشان راندند و بعد به صورت یک مشت فقیر و بیچاره به اینها کمک می‌کردند چه بسا در مسیر بین بیت المقدس و خلیل الرحمن می‌دیدیم که

عده‌ای از این آوارگان در يك سوی سیمهای خاردار بودند و بعضی در سوی دیگر. يك عده اقوام و خویشان در آن سو بودند و کسانی در این سو، بطری که از دور با دست و حرکت میتوانستند باهم اشاره کنند، زیر نفوذ و قدرت پاسداران صهیونیسم، این وضع را دیدیم. ولی همین مردم، همین مردمی که آواره و جیره‌خوار شدند و در چهره‌های گرفته، چهره‌های ماتم زده، چهره‌های شکست خورده داشتند، طولی نکشید همین مردمی که در فلسطین قبل از غصب، يك عده مردم کشاورز عادی سر بزیر بودند بعد از غصب، مردم مرتزقه‌ای شدند، مطابق همین وعده قرآن (بعثنا علیکم عبادا لنا اولی باسا شدید)، این مرد وزن فلسطینی، همین تحقیر شده‌ها، همین جیره‌خواران دیگران، تبدیل شدند و تغییر یافتند بمردان و زنان مبارز و پرخاشگر و پر حماسه‌ای که شرق میانه را از حماسه خود پر کردند و به تمام دنیا حماسه مظلومین را الهام بخشیدند و در سرزمین مغضوب و پیرامون آن و در هر شهر و دیار عربی و اسلامی رخنه کردند جای و سنگر گرفتند «و اذا جاء وعد اولیما بعثنا علیکم عبادا لنا اولی باسا شدید فجا سوا خلال الدیار»، امیدواریم در پی رهبری آخرین آیه، روزی را ببینیم که مردم فلسطین، با همین قهر انقلابی، نه الطاف قدرتمندان فریبکار، سرزمین خود را آزاد کنند، و بیت المقدس و مسجد اقصی و محل معراج پیغمبر اسلام را بصاحبانش برگردانند. صاحبان بیت المقدس، نماینده‌های همه ملت‌های توحیدی هستند همانطوری که بودند. یهود و نصارا و مسلمانها، همه بیت المقدس را از خود میدانستند و میدانند، نه صهیونیسم که میگوید بیت المقدس فقط از آن ماست.

وعده دیگر قرآن بعد از چند آیه خطاب به بنی اسرائیل است: «ان احسنتم احسنتم لانفسکم و ان اساتم فلها» شما مغرور نباشید به اینکه اولاد انبیاء هستید، یا خیال نکنید نژاد برتر هستید. دنیا، دنیای عمل است. اگر در دنیا نیکی کردید، همه‌جا، جا دارید، معزز هستید، و اگر بدی کردید، به حال خود بدی کردید. وقتی که وعده خدا برسد: (فاذا جاء وعد الاخره لیسوءا و جوهکم) چهره‌های صهیونیست‌های جلاد و تروریست مانند بگین، سیاه خواهد شد، «ولید خلوا المسجد کما دخلوه اول مره»: داخل مسجد خواهند شد همانطور که بارها در زمان فاتحین اسلام و دیگر خداپرستان، وارد مسجد شدند و ریشه فساد را کردند. این خلاصه‌ایست از درس قرآن درباره این حرکت طاغوتی بنی اسرائیل.

اکنون که ما اجتماعی برپا کرده‌ایم می‌بینیم از ابتدای غصب تا

حال، نهضت فلسطین مراحل را گذرانده... فریبکارها، دروغگوها، پشت هم اندازها، سعی کردند يك ملت ظالم را مظلوم بنمایانند و يك ملت مظلوم را ظالم... همانهاییکه امروز مانند جغد بالای لاشه مزدوران استعماری خود، نوحه سر میدهند و برای غاصبین حقوق مردم ایران که اعدام شده‌اند، سروصدا راه می‌اندازند، همانهاییکه در جنگ بین-المللی اخیر میگفتند برای آزادی بشر و برای سرکوب کردن نژادپرستی آلمان و ایتالیا میجنگیم، طولی نکشید که همین منادیان دروغگوی فریبکار آزادی، چه برسر يك ملت مظلوم حق برده، آوردند. چگونه خانه‌های اینها را گروه گروه خراب کردند، اطفال اینها را در مقابل مادرها و پدرها کشتند، شکمهای زنهای حامله را دریدند، شهرکهای را مانند دیر یاسین با جمعیتش کشتند و ویران کردند. همینها آنروز ندای آزادی سر میدادند که میخواهند ملتها را از قید بندگی و عبودیت آزاد کنند و در مقابل نژادپرستی قیام کرده‌اند امروز هم برای باقی ماندگان رژیمشان در ایران ناله سر میدهند. اینها همانها هستند! مدتها تبلیغ کردند که فلسطینیها چنین و چنانند. مردمی هستند که زمین بنی‌اسرائیل را غصب کرده‌اند! دوره تبلیغات گذشت و همه مردم آزاده دنیا به حق فلسطین و به حقانیت مردم فلسطین آگاه شدند، و امروز دیگر کسی که چشم و گوش دارد در شرق و غرب دنیا نیست که فریب این تبلیغات دروغ را بخورد. امروز دیگر بعد از آنی که اینهمه فریبکاریها، تبلیغات و همه این دسیسه‌ها آشکار شده، به فریب دیگری پرداخته‌اند و به اسم صلح خاورمیانه دست بطرف مصر دراز کردند، و بیچاره سادات را به بند خود کشیدند! که پیش از اینکه به اودشنام بدهیم باید به حالش و به وضعی که برای او پیش آمده متأثر باشیم. ملت مصر و سرزمین مصر که در این قرن اخیر، مرکز حرکت و انقلاب علیه متجاوزین و برای آزاد کردن ملت‌های عرب و ملل اسلامی بوده، امروز خودش به بند و قید استعمار دچار شده و منزوی و تحقیر شده، و امروز همه ملل اسلامی و همه ملل عرب گفتند کشوری است که او را در انزوا قرار دادند. البته ملت مصر را ما میشناسیم، ملتی هوشیار، دانشمند، متفکر، ولی رژیم سادات این ملت را تحقیر کرد و ما امیدواریم که خود ملت مصر به حساب این جانشین فراعنه مصر برسند، همانطوری که ملت ایران بحساب فرعون خود رسیدند. و این فرعونك را به سوی آن فرعونك راندند و آن فرعونك هم دیگر آنجا، در کنار فرعون تاریخ، جا نداشت

و به جای دیگر آواره شد. ما اعلام می‌کنیم که همین سرنوشت برای این فرعون که خودش را مسلمان میدانند ولی عملش، عمل فرعونی است، یعنی حق مردم مصر و ملل عرب و ملت فلسطین را نادیده می‌گیرد، همین کسی که به عهدهای خود وفا نکرد (بعد از فوت عبدالناصر تعهد کرد راه او را ادامه دهد ولی در اول خط مسیر، راهش را منحرف کرد)، همان کسی که می‌بایست مصر را جزء کشورهای غیر متعهد قرار بدهد، رفت پست‌ترین تعهد را در مقابل آمریکا و اسرائیل انجام داد و دست در دست آنها گذاشت.

ما ملت ایران، این ملتی که انقلاب کرد، برپا خاست، با تمام قوا برای دستگیری هر ملت مظلوم، بخصوص ملت فلسطین و هر مستضعفی در هر کجای دنیا، تا آنقدری که امکان داریم، دست کمک دراز می‌کنیم، چون قیام ما برای نجات مستضعفین است، اول مستضعفین ایران، بعد مستضعفین ملت‌های عرب و ملت‌های مسلمان که اسیر حکومت‌هایی هستند که بناحق و بدون رضای ملت‌ها بر آنها حاکمیت دارند.

این خونی که در خیابان‌های ما و در هر گوشه و در هر شهر و دهکده ما جاری شد و خون‌هایی که در فلسطین جاری شد، در یک بستر حرکت میکنند: در بستر انقلاب، در بستر توحید، نجات خلق‌ها. وما با این قدرتی که از نزدیک از مردم فلسطین و سازمان الفتح دیدیم که اینطور کفن‌ها را بدوش گرفتند، جان‌ها را بکف گذاشتند و اسلحه بدست گرفتند، امیدواریم اینها نه تنها نجات دهنده خود باشند بلکه با این قدرت و نیرو، با این یأس شدید می‌توانند نجات‌دهنده همه مستضعفین ملل عربی که هنوز در استضعاف بسر می‌برند، باشند.

۳۰ سال است در مبارزه با این قوم می‌گذرد، ۳۰ سال است که ملت فلسطین در زیر سخت‌ترین ضربات تبلیغاتی و جنگی بسر برد و امروز سرافراز بیرون می‌آید، و امروز می‌بینیم ما که در ایران جرأت نداشتیم یک جلسه‌ای برای هماهنگی و همصدائی و هم‌ندائی با مردم فلسطین تشکیل بدهیم، با آزادی صدای خودمان را با صدای مردم فلسطین و نماینده فلسطین باهم برای پیش‌برد هدف‌های مشترک بلند می‌کنیم ماکه در دوره استضعاف جرأت نداشتیم در باره فلسطین، کلمه‌ای بگوئیم، امروز مسائل فلسطین را، در مرکز علمی‌مان، در دانشگاه‌مان، مطرح می‌کنیم. امیدواریم جوان‌های ما بیشتر مسائل فلسطین را بشناسند، که یک درس بزرگ تاریخی قرن ماست و بیشتر روابطشان را تحکیم

بکنند و هماهنگی خودشان را بنمایانند تا بتوانیم این انقلابی را که در دو نقطه حساس دنیا (ایران و منطقه فلسطین) پدید آمده، بیاری حق و بهمت و هم‌رزمگی همه ملت‌ها، انشاءالله به پایان برسانیم.

درود بر همه شهدای ایران و فلسطین

درود به همه شهدائی که خونشان در کنار و گوشه و تپه و ماهور

اطراف فلسطین و در سرزمین فلسطین ریخته شد.

درود بر همه خونبائیکه از جوانهای ما و جوانان فلسطین آمیخته

شده

پیروز است نهضت ایران و فلسطین

پیروز است نهضت‌های همه مردم مستضعف دنیا

ما امیدواریم که خداوند ما را از قید شیاطین، با هشیاری و با

بینش کامل نجات بدهد و بارهبری قاطعی که داریم (رهبری مراجع

مسئول دینی بخصوص حضرت آیت‌الله خمینی) روز به روز شکوفائی

نهضت خودمان و دیگر نهضت‌های ملل ستم دیده را ببینیم.

والسلام علیکم ورحمت‌الله..

۲۵ اردیبهشت ۵۸

سخنرانی پدر طالقانی در دانشگاه تهران بمناسبت روز شریعتی (۲۶ اردیبهشت)

کتابخانه آ بسم الله الرحمن الرحيم زمانه ما

ان الله لا یغیر و ما بقوم حتی یغیر و اما بانفسهم و اذا اراد الله

بقوم سوء افلا مردله و ما لهم من دویه من وال.

امروز مصداق است با روز هجرت خاطره‌انگیز فرزند مجاهد و

متفکر اسلامی ما مرحوم دکتر شریعتی است بیش از این، مفصل‌تر از

این بلیغ‌تر از این رساتر از این در کتاب‌هایش تبیین شده، ما مطلب

تازه‌ای درباره این شخصیت مجاهد مهاجر و شهیدمان نداریم آیه‌ای که

تلاوت کردند منش و روش و راه دکتر شریعتی چه اثری در جامعه ما

در نسل جوان گذاشته است بیان میکند.

نمی‌توانم بگویم. وقت هم کوتاه، وضع حال و مزاجم ناراست.

آیه‌ای که تلاوت کردم، منش و روش و طریق و راه دکتر شریعتی